

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۱

پری در دیوان بیدل دهلوی*

دکتر محمّد رضا صرفی

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه طاهری

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

پری از شخصیت‌هایی است که در اساطیر، حماسه، شعر و ادب فارسی حضور چشم‌گیری دارد. واژه پری از جمله واژه‌های پربسامد مجموعه غزلیات بیدل دهلوی است. این واژه در لغت فارسی به معنای فرشته، جن، همزاد و زیبارو به کار می‌رود. در بررسی اسطوره پری به وجود دو شخصیت کاملاً متمایز از «پری» پی می‌بریم. پری در ادبیات اوستایی دارای شخصیتی بد و زشت و اهریمنی است، اما آنچه از ادبیات فارسی دری بر می‌آید، پری نه تنها موجودی زشت و اهریمنی نیست، بلکه مظهر زیبایی است و به صورت زن اثری جلوه‌گر می‌شود و حتی گاهی در مقابل موجود اهریمنی قرار می‌گیرد. در ادبیات فارسی پری مظهر کمال، لطافت و زیبایی و مشبه به جمال، تصور شده است و گاه سیمایی همچون فرشتگان یافته است.

واژگان کلیدی

پری، بیدل دهلوی، غزلیات، فرهنگ عامه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: m_sarfi@yahoo.com

۱- مقدمه

«شاید تشریح آدم رعنا و دلارامی چون پری، اندکی ظالمانه باشد؛ و بدان می ماند که تار و پود رویا یا نسج گلی را از هم بشکافند و بدرند. با این همه، چنین تحلیلی در دوران ما، به جا و رواست، زیرا پدیده های روانی که شماره آن ها از یک قرن پیش، در سراسر عالم، رو به فزونی نهاده است، اجازه می دهد که پری را سلف واسطه ارتباط با ارواح و درمانگر و شفابخش و پیش بین و غیب آموز بدانیم. پری دارای تمام قوا و ملکاتی است که تا کنون «فوق متعارف» خوانده شده اند؛ چون از قوه درک و فهم ذهن آدمی، به طور متوسط برتر بوده اند.» (م. لوفر، ۱۳۸۶: ص ۲۴۷).

با توجه به قصه های پریانی که در ادب و انگاره های عامیانه وجود دارد، متوجه می شویم که تقریباً همه قصه های پریان از جهت ساختمان یک نوع هستند و «در تمام قصه های عالم ایفای چند نقش همواره همانندند، بر عهده آن ها قرار گرفته است:

۱- به نوزادان خصایل و صفات نیک یا بد می بخشند.

۲- اندیشه ها را به حدس و گمان در می یابند و قادر به پیشگویی اند (و این با پدیده های روشن بینی، دوربینی یا پیش بینی و پیش شنوایی که امروزه به خوبی شناخته شده، مطابقت دارد).

۳- آدم ها، کاخ ها، و خوان های گسترده رنگین پدید می کنند و اشخاص و اشیا را به صورت های گوناگون در می آورند.

۴- گنج و خواسته می بخشند. (با توجه به این نکته که مال و گنج و جواهر، نماد معارفی محسوب می شوند که از راه کشف و شهود حاصل آمده اند، پری بخشنده مال و خواسته، رمزی راهنما و آموزگاری است که نظر کردگان خود را یاری می دهند تا در ناخود آگاه خویش که سرچشمه معارف تمامی ناپذیر است، نفوذ کند.» (همان)

۲- کلیات تعاریف

۱-۲- معانی و مفاهیم

در فرهنگ‌های گوناگون، برای کلمه پری تعاریف گوناگونی ارائه شده است. فرهنگ فارسی معین «پری» را (جن)؛ مونث جن؛ روح پلید؛ دیو؛ استعاره از زن زیبا، و نیز نوعی از قماش در نهایت ملایمی و به سان مخمل دانسته است که خوابکی هم دارد و رنگارنگ می باشد و از آن مسند و فرش می سازند.

«برخی آن را همان جن دانسته‌اند، اما در تصور عوام پری مونث است و معمولاً آن را لطیف‌تر از جن تصور کرده‌اند. پری بسیار زیباست و گاه با فرشته و حوری مترادف بکار می‌رود. در یونان قدیم پری یا *nymphe* از خدایان نیمه اساطیری است که به صورت دوشیزه زیبایی تصور می‌شود است. می‌گفتند غالباً در چمن‌زارها و جنگل‌ها و کناره رودها بسر می‌برد و آن را ربّ النوع می‌دانستند. در ادبیات غرب از پری (*fairy*) سخن رفته است. در ایران باستان پری از عمال اهریمن است و دشمن زمین و آب و گیاه. با خدای باران می‌ستیزد تا زمین را دچار خشکسالی کند.» (شمیسا، ۱۳۷۷: ص ۲۲۷).

«پری، صاحب جادو، نماد قدرت‌های خارق‌العاده روح، و یا ظرفیت‌های طرارانه تخیل است. پری می‌تواند تغییر شکل دهد و در یک آن بالاترین آرزوها را به ثمر برساند یا تغییر دهد. شاید پری نشانه قدرت‌های انسان در ساختن ذهنی برنامه‌هایی است که نتوانسته عیناً به تحقق برساند.» (شوالیه، ۱۳۷۹: ص ۲۱۸).

«پریان در تکامل تدریجی روان آدمیان قرار گرفته‌اند که از تطابق با واقعیت شروع شده و تا پذیرش خود، در چارچوب شخصی ختم می‌شود. ما به پریان و جاه طلبی‌های آنان متوسل می‌شویم. یا به عبارت دیگر، پریان آرزوهای سرکوفته ما را برآورده می‌کنند. چوبدست و انگشتری پریان، نشانه قدرت آنهاست. آنها گره‌های روان را به سختی می‌بندند یا باز می‌کنند.» (همان، ص ۲۱۹).

«پری در فرهنگ ایران دو چهره منفی و مثبت دارد. او را موجودی لطیف و بسیار زیبا و جمیل که اصلش از آتش است و با چشم دیده نمی‌شود و به واسطه زیبایی فوق‌العاده اش آدمی را می‌فریبد، دانسته‌اند. در چهره مثبت، «پری بر عکس دیو، اغلب نیکوکار و جذاب است»؛ اما در چهره منفی و بر اساس برخی از قسمت‌های اوستا، پری جنس مونث دیوان است که از طرف اهریمن گماشته شده

و جزء لشکر او، بر ضد زمین و گیاه و آب و ستور در کار است. پریان در این روایات کهن دارای منشی مبهم و ناروشن و سرشتی به ویژه شرور و بدخواهند و گاهی به صورت زنانی جذاب و فریبنده ظاهر می‌شوند و مردان را می‌فریبند؛ زیرا هر لحظه قادرند خود را به شکلی درآورند». (یا حقی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۰).

پری از موجودات خیالی و افسانه‌ای فرهنگ عامه و خرافات مردم است. در هفت خوان رستم و اسفندیار، زنی آراسته و زیبا در حالی که رود می‌نوازد، به پهلوان نزدیک می‌شود و او را به شاد خواری و شاد کامی دعوت می‌کند. اما هر دو پهلوان او را می‌شناسند و در نبرد او را می‌کشند.

«پری از شخصیت‌هایی است که در اساطیر، حماسه، شعر و ادب فارسی حضور چشم‌گیری دارد. البته در ادب فارسی تصویر و مفهوم پری دگرگونی کیفی پذیرفته و گاه حتی در برابر دیوان و زیانکاران قرار می‌گیرد.» (خسروی جاوید، ۱۳۸۴: ص ۱۴۸).

در ادبیات کلاسیک فارسی به استثنای شاهنامه، پیرامون دیو و پری کمتر سخن رفته و آنچه هم به ندرت [در ادبیات کلاسیک فارسی] به کار رفته، صورت نمادی داشته است. در ادبیات منظوم نیز به صورت صفتی مبتذل و پیش پا افتاده به کار می‌رود و یک زن خوبرو و یک معبود به پری یا بتی پری‌وش تشبیه می‌شود. اصولاً دیو و پری مربوط به ایرانیان باستان است (یادگار مزدپرستی) و شیطان و جن مربوط به دوران اسلامی (که عرق ملّی ایرانیان آن را دگرگون ساخت)، سلسله مراتب دارند، عبارتند از: دیو، پری، شیطان، جن.

پریان در فرهنگ ایرانیان پس از اسلام، موجودات خوب و دوست داشتنی هستند که مردم نیکوکار خوش‌تبت را دوست دارند و آن‌ها را به خوشبختی و کامروایی می‌رسانند. پادشاه پریان مردی نیک و آزاده است و دختر و پسر شاه پریان رمزی از کمال، زیبایی، ثروت و خوشبختی هستند که هر دختر و پسر جوان آرزوی همسری ایشان را دارد.

در اساطیر ایرانی، پری‌ها از نسل فرشتگان تبعیدی از بهشت هستند که در صورت توبه کردن به بهشت بازمی‌گردند. در منابع قدیمی تر آن‌ها عاملان شیاطین ولی در منابع جدیدتر تبدیل به موجودات غیر شرّ شدند. پری‌ها موجوداتی بالدار، بسیار دلنشین با ظاهر فرشته آفریده شده‌اند. در طبقه بندی موجودات اسطوره‌ای، آن‌ها آفریده ای مابین فرشته و ارواح شیاطینی هستند. که برای ملاقات‌هایی به دنیای میرا (جهان ما) مسافرت می‌کنند. پری‌ها هدف سطح پایین موجودات شروری به نام دیو سان بودند. دیوسانان با حبس پری‌ها در قفس‌های آهنین، اقدام به آزار آن‌ها می‌کردند. این آزارها به علاوه، عدم اعتماد به نفس خود پریان، باعث می‌شد که آن‌ها هم در صف مبارزان خوبی بیوندند.

«در معدودی از داستان‌های عامیانه، پریان مذکر دیده شده‌اند. در آیین زردشتی پری (اوستایی پیئریکا) به جنس مؤنث جادوگر اطلاق گردیده است که به صورت دختر جوان زیبایی ظاهر می‌شود و از طرف اهریمن به منحرف ساختن مزدیسنا گماشته شده است. پریان به شکل ستاره دنباله دار به یاری آپنوس می‌آیند و با تیر در ستیزه‌اند تا او را از فرستادن باران باز دارند و زمین را از خشکی ویران سازند.» (شریفی، ۱۳۸۷:ص ۳۵۴). «کلاً جنسیت دیوان کمتر مشخص است. هم چنین پری در متن‌های اوستایی و پهلوی در کنار جادوگر می‌آید و در شاهنامه چهره عوض می‌کند و به صورت زنی فریبنده در می‌آید، در اسطوره زندگی زردشت نیز دیو زنی خود را به صورت سپندار در می‌آورد که زردشت به حیلۀ او پی می‌برد.» (آموزگار، ۱۳۸۶:ص ۳۰۶).

از تحقیقات انجام شده چنین بر می‌آید که پری در اصل یکی از ایزدانی بوده که در زمان‌های کهن و پیش از زردشت ستایش می‌شده، ولی بعدها در اثر عوامل انگیزه‌های گوناگون مانند دگرگونی‌های اجتماعی، دین‌آوری و نوکیشی‌ها و رواج ارزش‌های اخلاقی تازه، برداشت ذهن آن گروه از ایرانیان که آیین زردشت را پذیرفته بودند؛ دگرگون شده، پری را موجودی زشت و اهریمنی پنداشتند، ولی خاطره دیرین پری به عنوان الهه ای که با کامکاری و باروری و

زایش رابطه نزدیک داشت، هم چنان در ذهن جمعی ناخود آگاه مردمان باقی مانده و در ادب فارسی و فرهنگ عامیانه ایران منعکس شده است.

دکتر سرکاراتی درباره اهمیت پری و پرستش و ستایش او در دوران باستان در ایران می نویسد: «پری در آغاز تجسم ایزدینه یکی از جنبه های خویشکاری های مام - ایزد بزرگ بوده است که ستایش و آیین او در روزگار باستان از کناره های مدیترانه گرفته تا بین النهرین و دره سند در میان مردمان آریایی، سامی و ایرانی گسترده بود و تحت نام های گوناگون پرستش می شد. زن ایزد بزرگ در اصل دارای سرشت یگانه و شخصیت یکپارچه بوده است و در نقش مینوی خود باز تاب و تجسمی از حیات و زندگی زن زمینی به شمار می آمده است. بعد ها در طول تاریخ تجزیه و پاشیدگی شخصیت واحد الهه مادر شروع می شود و به صورت الهه های متعدّد و پریان پرستیده می شود.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ص ۲۴).

۲-۲- عمر پریان

«آنان همیشه جوان می مانند و از دو تا ده هزار سال عمر می کنند. اگر کودک آن پری از آب دریاچه مخصوصی بنوشند، پس از آنکه اندکی از آب بقا به آن چشمه ریختند، پنجاه هزار سال زنده می مانند. پادشاه آنان که نگهدارنده آب حیات است. در ظلمات زندگی می کند و تا پایان دنیا یعنی تا نخستین دم صور اصرافیل زنده خواهد بود.» (ماسه، ۱۳۶۶: ص ۱۶۹).

۲-۳- جایگاه پریان

نام سرزمین پریان در آثار اسطوره ای، پرستان و کوه قاف است. «عوام ایران جایگاه پریان را «فاضل» می نامند که عبارت است از چشمه سارها و چاه ها و پاکنه ها و پلکان آب انبارها؛ و در قصه های ایرانی نیز جایگاه پریان یا در چاه است و یا در نهر و چشمه.» (شریفی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۴).

ویژگی اصلی پری در دوره اساطیری باروری و برکت است، به همین جهت بنابر نظر قدما پریان در کنار چشمه ها و چشمه سارها که منبع و مظهر جوشش و غلیان آب است زندگی می کنند. نه تنها بلوغ جسمانی، بلکه بلوغ روحانی فرد هم به پریان بستگی دارد. پری یکی از جلوه های خدایان کهن و بگ بانوان بوده

است. زنی اثیری و پنهان در طراوت چشمه ها، یا وجودی مه آلود و گریزان در جنگل و بی‌شبه و چاه. اسطوره پری همواره با رویای عشق وابسته بوده است، فریبنده و آفریدن عشق در پری صفتی اصیل و ذاتی است. (فطوره چی، ۶۳؛ ۱۳۸۶).

۴-۲-واژه پری

واژه پری در اوستا به صورت پائریکاوا در پهلوی پریگ و در فارسی پری گفته می‌شود، چنانکه سعدی گوید:

گر چون تو پری در آدمیزاد گویند که هست باورم نیست
و معنی آن یک موجود زیبا و نازک اندام است که از جهان غیر مرئی آمده، چون زیبایی افسون کننده ای دارد، خاکیان را می‌فریبد، واژه پری در گات‌ها نیامده، در دیگر بخش‌های اوستا پری نوع مونث جادوست، چنانکه یکی از پری‌ها است که گرشاسب را فریفته است.

همچنین، پری جزء یاران اهریمن بر ضد زمین و گیاه و آب و ستوران و آتش در کارند، همین پری‌ها هستند که به شکل ستارگان دنباله دار با تیشتر ایزد باران در پیکارند، تا وی را از بارندگی باز دارند و زمین را از خشکی ویران سازند. دکتر یا حقی درباره پری چنین می‌گوید:

«چنانکه از روایات کهن بر می‌آید، پاری وجودی است لطیف و بسیار جمیل که اصلش از آتش است و با چشم دیده نمی‌شود و به واسطه زیبایی فوق العاده، آدمی را می‌فریبد. پری عکس دیو، اغلب نیکوکار و جذاب است. اما گاهی در روایات کهن و از جمله برخی قسمت‌های اوستا (یشت ها ۱/۱۴) پری جنس مونث دیوان است که از طرف اهریمن گماشته شده و جزء لشکر او، بر ضد زمین و گیاه و آب و ستور در کار است. روی هم رفته، پریان در این روایات، دارای منشی مبهم و نا روشن و سرشتی بویژه شرور و بد خواهند و گاهی به صورت زنانی جذاب و فریبنده ظاهر می‌شوند و مردان را می‌فریبد. زیرا هر لحظه قادرند خود را به شکلی درآورند. مطابق روایات کهن، جمشید و ضحاک و سلیمان، دیوان و پریان و پرنده‌گان را زیر فرمان خود داشتند. در قصه‌های عامیانه، اغلب، قهرمان

داستان با دختر شاه پریان ارتباط پیدا می کند و بالاخره با عبور از موانع دشوار و کشتن اژدها پری محبوب خود را به دست می آورد.

۴- پری در غزلیات بیدل

واژه پری از جمله واژه های پر بسامد در دیوان بیدل دهلوی می باشد. بیدل در دیوان خود ترکیبات متعددی با پری ساخته و مورد استفاده قرار داده است. مانند پری رخ، پری رو، پری خانه و... در ذیل به باورها و اعتقاداتی که بیدل درباره پری دستمایه مضمون آفرینی در اشعار خود قرار داده اشاره می شد.

۴-۱- ویژگی های ظاهری پری

۴-۱-۱- زیبایی پری

بیدل در بیت زیر افلاک را به پریخانه تشبیه کرده، که وجه شبه اش زیبایی است.

صد سال بال افشان سوخت به زنگدانه خاک

یک سحر، سیر پریخانه افلاک کنید

(ص ۷۲۸)

پری مظهر زیبایی بوده بنابراین، ناز هم دارد. بیدل می گوید:

شیشه ناداده ز کف مستی آزادی چند

دامن ناز پری در ته سنگ اینجاست

(ص ۱۶۸) و نیز (ص ۸۵۹)

۴-۱-۲- بال و پر داشتن پری

اعتقاد داشته اند پری دارای بال و پر می باشد.

عالم از بال پری آینه دارد

گو شیشه نمودار شو و سنگ برون آ

(ص ۸۰)

۴-۱-۳- بی قراری پری

بی قراری پری ارتباط دارد با همان وجود لطیف و اثیری که مثل موج هوا

بی قرار و بی تاب و... است.

ای موجزن بهار خیالت ز سینه ها

جوش پری نشسته برون ز آبگینه ها

(ص ۱۰۲)

خوابم چه خیال است به گرد مژه گردد

بالین من گمشده آرام پری داشت

(ص ۲۸۳)

۴-۱-۴- پری ها از چشم ها پنهانند

«بدانک خدای تعالی جن و پری آفرید کی به لطافت چنان اند کی بی مسافت

از اقلیمی به اقلیمی رود و از لطیفی در حاسه چشم آدمی نیاید.» (کرتیس، ۱۳۸۳:

ص ۵۱۲)

غبار شیشه ز مردم نهفته است پری را

میپوش چشم ز لیلی به محملی که ندارد

(ص ۷۸۴)

۴-۱-۵- اعتقاد داشته اند که پری در شب نمی خوابد

به فسون هستی بی خبر، ز شکست دل حذر

شب خون به خواب پری مبر ز فسانه های ترنگ ما

(ص ۱۱۰)

۴-۱-۶- جایگاه پریان

پریان در انزوا و در جاهای خلوت، از جمله کوهساران زندگی می کنند.

ز آشوب غبار دهر یکسر سنگ می بارد

توضبط شیشه خود کن پریخیز است کهسارش

(ص ۸۷۵)

۴-۲- باورها و اعتقادات عامه پیرامون پری در دیوان بیدل

اعتقادات گوناگونی راجع به پری وجود داشته که بیدل دهلوی نیز در اشعار

خود به آن‌ها اشاره کرده است:

۴-۲-۱- نقش شیشه در تجسد و تجسم بخشیدن پری

شیشه تجسم بخش است؛ هم پری را، هم راز و رمزها و سخنانی که پری بر زبان می آورد.

تا نگردد فاش سرمستی ات مگشای چشم

چون پری کاین شیشه ظاهر میکند راز تو را

(ص ۲۲۹)

و نیز (ص ۸۰۵)، (ص ۸۲۷)، (ص ۶۵۸)، (ص ۸۱۱) و ...

۲-۲-۴- بی رنگی پری

ظواهر اساس بینش پیشینیان پری بی رنگ و بی نقش است و جسم اثری لطیف دارد؛ آنگاه که او را درون شیشه قرار می دهند، تجسم می یابد و رنگ های متعدد می پذیرد و به بیان دیگر، زیبایی های خود را آشکار می سازد.

رمز بی رنگی ما فاش شد از شوخی رنگ

شیشه آورد برون آنچه پری پنهان داشت

(ص ۴۲۱)

چقدر ز منت قاصدان، بگدازدم دل ناتوان

به بر تو نامه بر خودم، اگر چو رنگ پری رسد

(ص ۸۱۱)

نیز (ص ۸۱۷)، (ص ۸۰۸)، (ص ۵۸۱)

۲-۲-۳- پری و جام شراب

تحیر در صفای امتیاز باده می لغزد

پری گویی عرق کرده ست در پیراهن مینا

(ص ۹۰)

و نیز (ص ۲۱۸)، (ص ۱۳۱)، (ص ۸۵) و ...

در این بیت، به طریقی ادعایی پری را چون شراب دانسته و جام شراب را مانند پیراهنی که بر تن او پوشیده است. در این تشبیه به چند نکته اشاره دارد:
الف: زیبایی پری که از وراء پوشش و لباس نیز خود را نمایان می سازد.

ب: بی‌قراری پری که حتی آنگاه که او را در شیشه می‌کنند، تراوشات روحی
زیبایی‌ها خود را به جهان هستی ارزانی می‌دارد.
ج: مستی بخشی پری و شراب، گویا در نگاه شاعر پری همچون شراب کسی
را که به دیدار او نایل می‌شود، غرق مستی و بی‌خویشی می‌سازد.
به علاوه، ارتباط پری با جنون، ارتباط با شراب را توجیه می‌کند. مستی نوعی
جنون و دیوانگی است:

نفس از ترانه ساز دل چه فشاند بر سر انجمن

که صدای قلقل شیشه شد پری جنون زده هوش ما

(ص ۱۸۲)

ارتباط جام شراب و پری از آن جاست که پیشینیان اعتقاد داشتند شکستن
جام شراب بال و پر پری را می‌شکند:

بوی یوسف از فسردن پیرهن آمد به عرض

شد پری بی‌بال و پر چندان که مینا ریختند

(ص ۷۳۹)

۳-۴- پریخوانی

«پری‌خوان» یا «جن‌گیر» کسی است که تسخیر جن می‌کند و پری را با
خواندن افسون و عزیمت، اسیر شیشه می‌سازد؛ پری در شیشه کردن از جمله
کارهای رمالان و دعا نویسان بود که بدان وسیله مصروعان را معالجه می‌کردند و
یا شی گمشده‌ای را پیدا می‌کردند. شیشه در این مورد غالباً آینه است.

به راه فرصت از گرد خیال افکنده دامی

پریخوانی است کز غفلت کنی در شیشه ساعت را

درین جریده به تسخیر وحشیان خیال

صریرخامه نفس سوزی پریخوانیست

(ص ۴۷۶)

در پری‌خوانی از آینه استفاده می‌کردند.

به کدام آئینه جوهری، کشم التفات از آن پری
مگر التماس گداز من به قبول شیشه گری رسد

(ص ۸۱۱)

دارند حریفان خرابات حضورش
جام می رنگی که پری شیشه گر اوست

(ص ۴۲۴)

خیالات پری بی شیشه نقش طاق نسیان کن
حال است اینکه هر جا جسم گم شد جان شود پیدا

(ص ۲۱۴)

معتقد بودند جن و دیو و پری می توانند خود را از هر چیزی نجات دهند جز
شیشه:

آسمانی در نظر داریم وارستن کجاست
در خیال این شیشه تا باشد پری آزاد نیست

(ص ۴۹۱)

۴-۴- پری در شیشه کردن

در فرهنگ فارسی معین ولغت نامه دهخدا در توصیف اصطلاح «پری در شیشه دیدن» نوشته است که: جادوگران و جن گیران آئینه ای در پیش چشم اطفال نگاه می دارند و او را وادکاری مخصوص می خوانند، تا کودکان نابالغ «پریان» و اعمال آن ها را در آئینه ببینند و از گم شده ها یا سفر کرده ای که از او خبری نیست، به وسیله مشاهدات آئینه خبر دهند.

فسردن کسوت ناموس چندین وحشت است اینجا

پری در شیشه دارد خاک ما گر سنگ می گردد.

(ص ۵۷۲)

۴-۵- فسون و پری

«پری افسای» یا «افسونگر» نیز برای تسخیر جن افسون می خوانند. «این باور منسوب است به عمل معزمان و افسونگران، در خارج کردن جن یا دیو از تن

کسانی که جن در وجودشان حلول کرده و با ایجاد آشفتگی و اختلال در کار اعضای درونی، آن‌ها را مجنون و دیو زده (دیوانه) کرده و به حرکات پریشان و هذیان‌ناپسند واداشته است. این کار با کردار و اورادی عجیب صورت می‌گرفته، نهایت ممکن بوده است به موفقیت معزم در افسون کردن دیو و خارج کردن آن در شیشه‌ای سر بسته بیانجامد.

معمولاً آن‌ها که به بیماری‌هایی دچار بوده‌اند که در آن بسیار از حالت طبیعی خارج می‌شده‌اند، در باورهای مردم دیو زده تلقی می‌شدند؛ مانند کسانی که به صرع و حمله‌های ناگهانی مبتلا بوده و به هنگام آن، عوام برای دفع جن از ایشان تدبیرهایی می‌کرده‌اند که از آن جمله بوده است با سکه یا تیغه‌ای فلزی بر دور آن کشیدن.» (امیری خراسانی، ۱۳۸۴؛ ش ۵۵).

فسون شیشه، مارا از پری نوید کرد آخر

به روی کس محال است این نقاب افتد که برخیزد

(ص ۶۱۲)

حنایت در غبار دل صفاپردازی دارد

پری در طبع سنگ افسون مینا سازی دارد

(ص ۶۳۶)

به فسون هستی بی‌خبر، ز شکست دل حذر

شب خون به خواب پری میر زفسانه‌های ترنگ ما

(ص ۱۱۰)

۶-۴- پری بسترش بر خاکستر است

دل خاک شد و عافیتی نذر هوس کرد

این اخگر واسوخته بالین پری بود

(ص ۵۴۹)

در شکست رنگ یکسر ذوق راحت خفته است

شمع‌ها سر تا قدم سامان بالین پری است

(ص ۳۷۵)

۷-۴- پریزاد

بارها در آثار ادبی با این نکته مواجه می‌شویم که پریزاد می‌تواند به دو معنا باشد:

۱. از آمیزش پریان با آدمیان موجودات زیبا به وجود می‌آیند.
۲. به طریق استعاره و مجاز اشخاص زیبارو و لطیف را به شکل اغراق آمیز پریزاده و پریزاد می‌گفتند.

هم چنین، هینلز در کتاب شناخت اساطیر ایران معتقد است: «پریزاد دختری است با موهای بلند که به کسی آزار نمی‌رساند مگر او را آزار دهند». (هینلز، ۱۳۸۳: ص ۱۷۴)

هوش تا گیرد عیار رنگی از صهبای من
شیشه‌ها می‌باید از ملک پریزاد آورد

(ص ۵۸۱)

نیست چون آینه دل پرده ناموس حسن
شیشه مقداری به یاد آن پریزاد دهید

(ص ۶۳۶)

جنون رنگ میما درین چمن بیدل
شراب شیشه نه غنچه یک پریزاد است

(ص ۴۵۸)

و نیز (ص ۷۷۱)، (ص ۸۲۰)، (ص ۸۲۱)، (ص ۵۱۸)، (ص ۶۴۷) و ...

۸-۴- پریخانه

به معنای مسکن پریان می‌باشد. و کنایه از جای زیبا و باطراوت و سرسبز.
با همه افسردگی جوش شرار دلیم

خفته پریخانه ای در بغل سنگ ما

(ص ۱۹۳)

آن آینه کز عرض صفا نیز حیا داشت
تا چشم گشودیم پریخانه چین شد

(ص ۵۱۸)

بی کسب صفا صید معالی چه خیال است
تا سنگ بود شیشه پریخانه نباشد

(ص ۶۴۷)

۵- نتیجه گیری

پری از شخصیت‌هایی است که در اساطیر، حماسه، شعر و ادب فارسی حضور چشم‌گیری دارد. پریان در شعر و ادب فارسی نماد زیبایی هستند، و باورهای فراوانی پیرامون آن‌ها شکل گرفته؛ مانند اینکه عموماً از چشم آدمی پنهانند، بال‌پر دارند و پرواز می‌کنند، به سرعت حرکت می‌کنند، در اشیا پنهان می‌شوند، بعضاً در خلوت (بیابان‌ها و کوه‌ها) با آدمیان معاشرت می‌کنند و... اینگونه اعتقادات و باورهای عامیانه به کرات در دیوان بیدل دهلوی مورد استفاده قرار گرفته و نشان‌دهنده توجه بیدل است به اینگونه اعتقادات عامیانه و استفاده از آن‌ها برای مضامین شعری خود است.

کتابنامه

۱. آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)؛ *زبان، فرهنگ و اسطوره (مجموعه مقالات)*؛ تهران، انتشارات معین.
۲. امیری خراسانی، مجاهد غلامی «*باورهای مردمی و خرافاتی و مرزبان نامه وراوینی*» مجله فرهنگ، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۵۵.
۳. خلیلی، خلیل‌الله (۱۳۸۴)؛ *دیوان بیدل دهلوی*. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۴. خسروی، جاوید؛ *کتاب ماه هنر*، خرداد و تیر ۱۳۸۴.
۵. دلاشو-م. لوف (۱۳۸۶)؛ *زبان رمزی قصه‌های پریوار*، ترجمه جلال ستاری؛ تهران، انتشارات توس.
۶. سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)؛ *سایه‌های شکار شده*، تهران: نشر طهوری.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۷)؛ *فرهنگ اشارات ادبیات*، انتشارات فردوسی، چ اول.
۸. شوالیه، ژان (۱۳۷۹)؛ *فرهنگ نمادهای*، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی؛ تهران: انتشارات جیحون.
۹. عقیقی، رحیم (۱۳۷۶)؛ *فرهنگنامه شعری*، تهران: انتشارات سروش.
۱۰. کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۸۳)؛ *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چ چهارم.

۱۱. کریستین سن، آرتور (۱۳۵۷)؛ آفرینش زیانکار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۱۲. ماسه، هانری (۱۳۵۵)؛ آداب و معتقدات ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۱۳. معین، محمد (۱۳۷۵)؛ فرهنگ فارسی؛ چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۴. هینلز، جان (۱۳۸۳)؛ اساطیر ایران باستان، ترجمه و تألیف باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
۱۵. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۹)؛ فرهنگ اساطیر. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و انتشارات سروش.